

نمود و بیش از این نباید ثروت خود را در زیر خاک پنهان نگهداشت و آبشار های خود را سر سرانه در جریان گذاشت و زمین و اراضی حاصلخیز خود را بایر نگهداشت البته شروع بعمل چند شرط دارد که باید رعایت شود تا از آن ابتداء بانهائی رسیده و از این انتهاء نتایجی دستگیرمان شود

اولاً باید اعتماد بر نفس را در خود پرورش دهیم زیرا که سالوده هر کاری که بالاخره نتیجه بر آن مترتب میشود اعتماد آن اشخاصی است که متصدی آن کار هستند بر نفس خودشان : ثانیاً اعتماد بر دیگران که تا اندازه منوط است بر آن شرط اولی و البته لازم و ملزومش جریان قانونی است که مرتکبین خلاف قانون را سزایمیدهد در این موضوع سرعت در سیر تکامل هستیم زیرا که در تحت توجهات شخص اول مملکت و دانشمندان متبحر عالی مقام اجراء عدالت در ایران امروزه هیچ قابل مقایسه با آن بی اعتدالی های ایام گذشته نیست : ثالثاً خوی و خصلت کار کردن با دیگران را باید در خود ایجاد و پرورش نمائیم و بهترین مدرسه برای رسیدن باین مقصود میدان آزاد ورزش های اجتماعی است - این را بخوبی باید دانست که ریاست اولاً محتاج فضائل و معلومات و تجربیاتی است که هر کس دارای آن نیست و ثانیاً ریاست در صورتی وجود خارجی پیدا مینماید که مرئوس در بین باشد و اگر باشد همه رئیس شوند که نه رئیس و نه مرئوس در بین خواهد بود و گذشته از این . وقتیکه منظور نظر انجام يك کاری است و ریاست

جز يك فورماليته پيش نيست ديگر چه لزومي دارد كه انسان اصل مطلب راها و بهرغ آن كه رياست باشد پردازدمقصود اينست كه اگر خوي و خصلت فوق الذكروا دارا شديم و توانستيم با ديگران مشغول كار شويم آن وقت ايجاد كپاني هاي بزرك برايمان ميسراست آن وقت شركت هاي سهامی تروتهای هنگفتی را احداث خواهد نمود كه كار هاي بزرك را به آساني ميشود انجام داد ، آن وقت كارخانجات و ماشين آلائي ميتوان وارد نمود كه امروز از عهده يكتنفر يادو نفرمان خارج است و بالاخره آن وقت بدون انتظار آنكه دولت تمام كارهايمان را رفع نمايند خودمان مشغول فراهم نمودن آسائش خود ميشويم ، رابعاً توجه بايرانيانی كه درعلم و فن خودشان استاد و متخصص هستند و مهارت دارند : فرزندان اين سرزمين كه با زحمات و مشقات فراواني در خارجه داراي معلوماتي شده اند و بوطن خود مراجعت مينمايند باמידايتكه اگر مهلتی بدستشان بيايد خدمتی بنمايند بعقيده من رب النوع علاقه هستند و از ايشان بايد استفاده نمود و اجنبيان را بر آنها نبايد ترجيح داد ، وجود ايشان لازم و ملزوم ترقيات دائمی ايران است نه وجود کسانی كه پس از چندصباحی خدمت و جمع آوری ثروت از اين مملكت بيرون رفته وحتی اسمش را هم فراموش مينمايند .

باز از مطلب قدری دور افتادم - مقصود مقایسه ثروت امريكا و نظريات خيلي مختصری راجع به آن و راجع بمواد تحت الارضی كه مورد احتياج و استعمال انسان است بود اگر چنانچه مملكت

اتازونی قسمت اعظم احتیاجات خود و سایرین را رفع نماید بطور  
حتم تمام احتیاجات خودش یا قسمت مهمی از آن را رفع می نماید -  
مثلاً طلا و نقره و قیمت طلائیکه در سنه ۱۹۲۱ در تمام دنیا  
استخراج شد در حدود سیصد و بیست و نه ملیون دلار است و متجاوز  
از پنجاه و یک ملیون دلار آن از اتازونی استخراج شد ، نقره هم  
بهمچنین زبر تقریباً شصت و شش ملیون دلار قیمت نقره هائیست  
که در سنه ۱۹۲۲ در اتازونی استخراج شد ، بیش از این لازم  
بتفصیل نیست و هر مواد دیگری را بعنوان مثال اتخاذ فرمائید  
مثلاً قلع ، روی ، گوگرد ، گرافیت مواد معدنی برای ساختن مواد  
و غیره ملاحظه میشود که اتازونی در استخراج آنید طولانی دارد  
و با آنکه کاملاً بی نیاز از ورود آنست و بلکه صادر هم مینماید  
و با آنکه اگر وارد نماید نه آن اندازه ایستکه خود را حرا یا  
محتاج بیابد

اگرچه ثروت های فوق الذکر فی حد ذاته کاملاً برای سیادت هر  
ملتی کافی است ولی بزرگترین و مهمترین و مفید ترین ثروت های  
امریکائی ها اخلاق ایشان است . وقتی که آن روحیات و آن  
اخلاق و آن تربیت با ثروت هائی باین هنگفتی توأم شد آن وقت  
آن ثروتی ایجاد میشود که دنیا را مقروض خود مینماید ، آن وقت  
آن ثروتی تهیه میشود که ملل برجسته عالم همیشه با چشم هائی  
براز امید و انتظار بی بازار بورسش مینگرد و بالاخره آن وقت آن  
ثروتی تهیه میشود که حتی کارگران آن مملکت چیز هائی در تحت

فرمان و استعمالشان است که در سایر ممالک لوکر تصور میشود  
ثروت در امریکا لازم با استدلال های تجارت نیست و در اثبات  
آن لازم نیست که بحساب بانک های روکنلر یا آقای فورد رجوع  
نمائیم : در تعیین آن مجبور نیستیم که بارقام صادرات و واردات  
آن مملکت متوجه شویم بلکه چون هشت نمونه از غروار است بنابراین  
اگر بچیزهای عادی و بالنسبه مختصر نظری بیفکنیم باقی دستگیرمان  
خواهد شد

بعنوان مثال ممکن است که کتاب خانهای آنجا را در نظر  
گرفته و از مقایسه اش با وضعیات معارفی خودمان شرمنده شویم  
گذشته از آنکه هر دهکوره و هر محله از شهر های اتازونی دارای  
يك یا بیشتر کتاب خانه ملی و مجانی مفصلی است و گذشته از  
آنها هر اداره ایالتی با دولتی اتازونی دارای کتابخانه یا کتاب  
خانهای کاملی است که سهولت هر کس دسترس به آن دارد هر  
اونیورسیتیه یا کالج یا مدرسه متوسطه محتوی کتابخانه هائیت که  
باز عموم مردم به آنها دسترس دارند ، آن کسانی که کتاب خانه  
اونیورسیتیه کلبیارا دیده اند بخوبی میدانند که نه فقط ایران بلکه  
کلیه شرق نزدیک دارای يك همچو مجموعه نیست ولی با وجود این  
سال گذشته برای توسعه این کتابخانه اونیورسیتیه کلبیا چهار میلیون  
دلار تصویب نمود و قبل از حرکت بنده مشغول ساختن این عبارت  
چهار میلیون دلاری بودند خوانندگان شاید گمان کنند که در این  
اونیورسیتیه فقط همین دو کتاب خانه خواهد بود ولی برای رفع

اشتباه ایشان عرض میشود که هر شعبه از او نیورسیته ( کلبیا دارای متجاوز از سی شعبه مستقل است ) دارای کتابخانه است علیحده که شاید هر کدام از آنها برابری با برجسته ترین کتابخانه های ایران مینماید دو کتابخانه فوق الذکر کتابخانه های مرکزی او نیورسیته است و هر شعبه میتواند به آزادی بآن رجوع نماید - من از مقایسه این موضوع با اوضاع معارفی ایران خودداری خواهم نمود زیرا که جز ضعف و فروماندگی علمی چیزی دیگری نصیب ما نخواهد شد :

مثال دیگری ممکن است که عرض شود • البته جوانان و علاقه مندان ورزش اسم جک دمپس و جین تونی را شنیده اند این دو مرد محترم بوسیله آزمایش و زرر و باثروی خود امروزه در زمره متمولین و ملیونر های امریک محسوب میشوند : مثلاً جین تونی فقط در سه یا چهار نبرد مهمتت بازی عرض اندام نمود و اتفاقاً در تمام آنها فاتح واقع شد و در نتیجه ثرونی بدستش آمد که با کمال آسودگی میتواند بقیه عمر خود را در آسایش بگذراند : شاید بعضی ها بگویند برای چه و چطور ؟ برای اینکه این ملت ورزش را می پرستند برای اینکه در هر کدام از این مسابقه و نبردها هزارها تماشاچی جمع میشود ، برای اینکه مداخل شخص فاتح در هر کدام از آنها متجاوز از بیاضد هزار دلار است : برای اینکه این قبیل اشخاص سالها وقت خود را صرف تکمیل این فن نموده تا آنکه در میدان آزمایش تخصص گوی سبقت را از رقیب های بین المللی بر بایند - و اما ( چطور ؟ )

بوسیلهٔ جدیت و عمل و بوسیلهٔ برکاری و پشت کار بوسیلهٔ یقین و ایمان و اطمینان بجامعهٔ خود و بالاخره بوسیلهٔ آن روح و اخلاقی که ایشان برای نبرد و ستیزهٔ زندگانی درخود تربیت نموده‌اند.

باز مثال دیگری عرض میشود اغلب اونیورسیتیه‌های درجهٔ اول آمریکا جامعهٔ هائی هستند مستقل از معاونت دولت و امورات اقتصادی خود را خود اداره مینمایند؛ در صورتی که مداخلت و در آمد این قبیل جامعه‌ها از حق‌التعلیم‌های محصلین کمتر از آنستکه نصف بودجهٔ سالیانهٔ آنها را بدهد ولی باوجود این هر کدام از این اونیورسیتیه‌ها مثل کلبیا، هاوارد، پیل، پرینستون، استنفرد و غیره دارای ثرونی هنگفت و صاحب میلیونها دلارند البته بکانه جهت این موضوع آنست که محصلین پس از ختم تحصیلات خود سلب علاقه از آن مدرسه که تحصیلاتشان در آن خاتمه یافته مینمایند بلکه بوسائل مختلفه عضویت و فعالیت ایشان ادامه داده میشود و جزء لاینجزای آن مدرسه محسوب میشوند و بنابراین ایشان پس از موفقیت در کارهای اجتماعی خود مرئی خود را فراموش ننموده و قسمتی از ثروت خویش را اهداء آن مدرسه مینمایند در این صورت هر ساله هزارها دلار از اشخاص و افراد مختلف بخزانة این اونیورسیتیه‌ها پرداخت میشود:

مقصود این است که چیز هائی را ذکر نمایم که یا در ایران وجود خارجی ندارد و یا آنکه اگر داشته باشد جز يك اسم بی‌مسمی چیز بیشتری نیست و پس از ملاحظهٔ آنکه در آمریکا هزار

ها بلکه ملیونها دلار صرف این قبیل چیزها میشود آن وقت بی  
باصل موضوع برده و سیادت مالی و اقتصادی آن مملکت را خوب  
خواهیم درك كرد - آرئیست های شهر طهران البته قابل مقایسه  
با آن آرئیست های انازونی که اسمشان ورد زبان بین المللی است  
نیستند ولی بدنیست که مداخل ماهیانه این دورا بایکدیگر مقایسه  
نمائیم چندروز گذشته بایکی از آرئیست های طهران صحبت میکردم  
و ایشان از حقوق ماهیانه خود که بقول خودش در حدود چهل  
تومان است بس برخورد می نماید - البته حواناتدکان محترم با اسم  
ماریس شوالیه و دوکلاس فربنکس آشنا هستند: بدون اغراق حقوق  
و درآمد هفتگی هر يك از این آقایان بالغ بر بیست و پنج هزار  
دلار است اگر قدری تعمق بنمائیم خواهیم دید که این پول های  
گزاف چه برای کتابخانه ها و چه برای اونیورسینه ها ، چه برای  
اسپورت و چه برای آرئیست ها تماماً از کیسه افراد ملت انازونی  
صادر میشود و خود این مطلب مدلل مینماید که این ملت باین  
قبیل چیزها علاقه مند است این ملت برجسته کی متخصصین خود را  
بدین وسیله تقدیر مینماید و این ملت وسائل تربیت و تعلیم و تخصص  
افراد خود را بهترین نحوی بوسیله کتابخانه ها و اونیورسینه ها  
تهیه مینماید ، این ملت شالوده حیات و ترقیات خود را در چیز  
هائی یافته است که ما بانظر بی اهمیتی به آن مینگریم : اسپورت  
کتابخانه ، اونیورسینه ، نمایش و فیلم : شالوده ثروت های هنگفت  
و عظیم افراد این ملت همین چیزهاست ، چه لزومی دارد که

مثلاً - رمایه بانک های نیویورک را با بانک های ایران مقایسه  
نمائیم ، نتیجه این مقایسه واضحتر از آنست که محتاج بتطبیق  
باشیم ، چه لزومی دارد که ثروت متمولین آنجا و این جا را  
با هم بسنجیم ، نتیجه اش اطهر من الشمس است ، چه لزومی دارد  
که بودجه مملکتی یا کشوری یا لشکری یا هر آنچه بفکران میرسد  
در این دو مملکت تطبیق نمائیم - ما احتیاج باین مقایسه ها و تطبیقات  
نداریم ، لی مایل هستیم که اساس وجهات این رزبها و برجسته گیها  
دستگرمان شود - مجدداً تکرار میبایم که وجهات عمده ش همان  
کلمات مختصری است که در نظر افراد جامعه ما هنوز محقر و موهون  
شمرده میشوند : ورزش و عمل . علم و تربیت و تفریح و لذت  
از زندگی - هر وقت که ورزش و عمل در ایران رواج پیدا  
کرد . هر وقتی که علم و تربیت علاوه بر یاد گرفتن چهارتا مسئله  
هندسه و جغرافیا و تاریخ دارای آن مفهومی شد که در مقالات گذشته  
شرح دادیم : هر وقت که تفریح و لذت از زندگی غیر از استنشاق  
هوای کثیف و متعفن سینما و تیاتر های طهران و غیر از ابتلاء  
بناخوشی های تناسلی معنی دیگری در این جامعه دارا شد آن وقت  
شاید بتوانیم که بدون شرمندی عوالم زندگی خود را ( چه مادی  
و چه غیر مادی ) با ممالکی مثل انگلستان مقایسه نمائیم - سعی  
و کوشش رای رسیدن باین مقصود بهترین شاهراه است .



## زناتوئی در امریکا

اولین چیزی که در يك فامیل امریکائی جلب توجه انسان رامینماید یکی اولاد است شاید بطور عموم دو یا سه فرزند حداکثر آن باشد گرچه اغلب بيك فرزند اکتفاء و یا آنکه تا مدت مدیدی بعد از زناشوئی دارای هیچ اولادی نمیشوند .

البته جهت عمده و شاید یکنه سبب عاقبت بینی و مال اندیشی است وقتیکه اولاد محدود شد والدین بیشتر وقت توجه و تربیت آنها را دارند ؛ و بودجه فامیل تحمل مخارج نظافت و تربیت ایشان را خواهد داشت ؛ و سائل صحت و سلامتی بیشتر و فراوان تر خواهد بود مشاهده کودکان امریکا مخصوصاً در ایالات مرکزی و جنوبی اتنازونی همیشه فرح و انبساط مخصوصی در من تولید مینمود . در مقایسه با پدرانشان اینها خوشگلتر و سالمتر ، صحیح و سالمتر ، زرنگ تر ، با فهمتر و جسور تر بنظر می آمدند : ملت و جامعه که هر نسل بر نسل پیشتر مزیت های جسمی و دماغی داشته باشد آن ملت و آن جامعه از هیچ پیش آمدی ترس نخواهد داشت زیرا که افرادش همیشه در سیر تکاملند

پس از ایجاد فامیل قسمتی از مداخل و حقوق ماهیانه والدین با هم طفل در بانک گذارده میشود و بدین ترتیب استقلال اتیه طفل تا زمانی که رشد و تحصیلش او را قادر نماید که بکارهای مختلفه پردازد تأمین میشود - نمیدانم کدام يك از این مسائل را با

وضعیات خودمان تطبیق و مقایسه نمایم ، کدام يك از افراد توده ملت ما متوجه این موضوع شده و کورکورانه برعهده بدبخت و بیچاره هادائماً نمی افزاید؟

یکی از مهمترین جهات کثرت تلفات و قلت نفوس در این مملکت بی فکری و عاقبت بیندیشی ماهاست در این امر مهم وقتی که شخص گذشته از آنکه تهیه آسایش کودکان خود را ندیده هنوز آسایش خود و همسر شهم مربوط باهمان درآمد روزانه است و اگر يك هفته بیکار بماند شیرازه زندگانش ارم کسبخته و متلاشی میشود این شخص نباید دارای اولاد متعدده بشود و اگر خودش عاقبت و خیم این هوسرانی بی برد جامعه او را باید محکوم و محدود نماید:

باوجود آنکه تعلیم و تربیت در امریکا مجانی و اجباری است ، باوجودیکه ثروت و آسایش در آنجا فراوان است ، باوجودیکه پس از سالها آمیزش و سلکسیون و تأمیئات اقتصادی آنوقت زناشوئی مبادرت مینمایند : و بالاخره باوجود فراوانی وسائل و تسهیلات اجتماعی در پرورش اطفال یتیم و متروک باز ایشان بقوانینی قائلند و مسائلی را که در فوق ذکر شد مراعات مینمایند و حساب و ثروت مشترك ایجاد میکنند : قصداً عسده اولاد خود را محدود نگه میدارند و برای کودک نوزاد خود حساب مستقلی در بانک تأسیس مینمایند - مذهبك تراز همه این است که ایشان مراعات این مسائل را مینمایند در صورتی که تربیت ایشان (چه

خانوادگی و چه در جامعه ( تربیتی است استقلال‌ی ولی ما که مرا  
با اتکالی هستیم هیچ تهیه ندیده و بیگدار به آب میزنیم و بالاخره  
دچار وضعیاتی شرم‌آور و اسفناک میشویم ناخوش و علیلی و تنبلی  
و ظاهر سازی و بی حسی و ناامیدی و بی همتی و بالاخره تمام علائم  
انحطاط در ما تولید و دامنگیرمان میشود -

دلیلی بر مدعای فوق حکایت ذیل است . تقریباً یک ماه و  
نیم قبل روزی برای رسیدگی بامور خانه تهیه رفتن بازار را دیدم  
تعجب اهل خانه بجای خود باشد ، درب دکان بقال و عطار و میوه  
فروش و سقط فروشی و غیره همگی با خیره خیره نگاه میکردند  
گویا سراپا متعجب بودند که چه شده است که همچو شخصی .  
همچو زنی مانند یک کارگری زنیل بدست گرفته و با دقت زیادی  
مشغول چانه زدن و انتخاب جنس میباشد پس از خرید اشیاء  
لازمه دکان دار پیشنهاد نمود که خانه شاگردش در خدمت ما  
آمده و اسباب هارا حمل بمنزل بنمایند ، وقتیکه در جوابش گفتم  
خیر محتاج زحمت شاگردش نیست و خودم با کمال سهولت و  
آسانی میتوانم که اشیاء خرید شده را بمنزل برسانم بر تعجبش  
افزود شد و شاگرد بیچاره اش که تا پنج دقیقه قبل مشغول چرت  
زدن بود و حالا با زحمت زیادی تهیه کمک بهارا میدید از شنیدن  
جواب من یک نفس آسوده اژنه داش کشید مثل آنکه باز مرده  
چرت زدن را بخود میداد - وقتیکه بطرف خانه روانه شدم در  
راه یکی از آشنایان برخورددم ایشان از یکطرف متعجب و از طرف

دیگر خجیل شدند که مرا در آن وضع مشاهده نمایند : پس از تواضع و صحبت امیحتی دوستانه بمن کرد و گفت فلانی اینجا دیگر امریکا نیست و قار (!) و آهستگی در ایران حکمفرما بوده و خواهد بود .

خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو

و من بعد اینکدار باب مزین و این قبیل کارها را بنو کره ایان رجوع نمایند .

این چیزیکه اسمش را وقار گذاشته ایم و وفورش در هر جامعه از هیولای مرك و خاموشی مهیب تر است نتیجه آن اخلاق و عاداتی است که در سطور فوق يك يك شماره نمودم و تا زمانی که پای بند و معتقد باین عوامل هستیم درب ترقی و سعادت به آسانی بر رویان گشوده نخواهد شد .

در امریکا پس از صدور جواز و تاهل زن و مرد معمولاً چند روزی کناره گیری از کارهای روزانه خود نموده و این تعطیل مختصر را با یکدیگر در مسافرت بشهر های مختلف بجا های دیدنی از قبیل آبشار های یاکارا صرف مینمایند و پس از اتمام تعطیل بمنزل تازه خود مراجعت نموده و هر کدام بکارهای خود میپردازد دیگر آن جهاز و جهاز کنی و آن طمطراق و قبل منقل بی مزه آئیده بی شباهت بيك طبلي که جز صدای بلند چیز دیگری ندارد نیست خیر ایشان باصل مطلب بیشتر علاقمند هستند تا با امور سطحی ایشان بذخیره در بلك بیشتر معتقد هستند تا با صلوات و سلام و ایشان

بنظافت و آسایش داخلی بیشتر متوجهند تا بظاهر سازی در خارج و ایشان بتفریح بیشتر علاقمند هستند تا بشکم بروری و بالآخره ایشان با قامت سلو و شیرازه زارکافی یک فایده جدید الاحداثی را استحصاک و مهندسی مینمایند و پیش از پیش بکار های یومیه خود می پردازند و بیپرده وقت خود را صرف بوالهوسی و عیاشی نمیکند.

در خانمه این قسمت بد نیست که این مطلب را هم متذکر عوم - ایشان بوسائل مختلفه آن فرح و نشاطی را که در ابتداء زناشویی موجود است همیشه تجدید نموده و زنده نگه میدارند مثلاً روز عروسی خود را هر ساله جشن میگیرند و هدیه های مختلفه رد و بدل مینمایند : روز تولد کودکان خود را هر ساله جشن گرفته و تفریح مینمایند و بدین وسائل محبت افراد فامیل را نسبت بیکدیگر دائماً زنده نگهداشته و تجدید مینمایند : هر سال روز مخصوصی را که باسم روز پدران و روز دیگری را که باسم روز مادران مشهور است ضیافت و میهمانی و شادمانی می نمایند و بدین وسیله والدین را در وظائف خود نسبت بکودکانشان تذکر و یادآوری میدهند.

## تفریح در آمریکا

عادات و اخلاق يك ملت یا جامعه را بچندین وسیله میشود تشخیص داد ولی بنظر من بهترین وسیله برای این تشخیص ملاحظه وقت در طرز صرف اوقات بیکاری اکثریت آن جامعه است، مساعنی را که شخص آزادانه و بمیل خود میتواند بگذراند البته صرف کارهایی خواهد نمود که از آن بیشتر لذت و انبساط دریافت مینماید، بجزهایی خواهد پرداخت که قلباً و فکرآ متوجه آن است - تشخیص حرکات اکثریت هر جامعه در حقیقت وسیله بودن باخلاق و عادات آن جامعه است : مثلاً آلمانها هر وقت فرصتی بدست می آرند کوله بار خود را مهیا کرده و با دوستان پیاده و آوازه خوانان بخارج شهر و کوهستان ها و جنگل ها روانه میشوند .

فرانسوی ها اوقات بیکاری خود را در کافه و اطاق ها صرف مینمایند : اسپانیولی ها و ملل امریکای جنوبی اوقات فراغت خود را صرف رقص و آوازه خوانی و عیاشی مینمایند و بهرچنین هرملتی مطابق عادات و اخلاق خود وقت خود را صرف چیزهایی مینماید که با روحیاتش بیشتر تماس و آمیزش دارد و هرکدام مطابق سلیقه خود آن را تفریح می نامند .

در امریکا تفریح اقسام و انواع دارد ولی آنچه بیشتر عمومیت پیدا کرده و در بین مردم و فوردورد بتفریح صحرائی موسوم است

و از اول بهار تا آخر پائیز دهات خارج شهر - کوهستانها و کنار رودخانهها و مخصوصاً اطراف دریاچه های بی شمار این مملکت و سواحل دریا صدها بلکه هزارها جایگاه های پذیرائی تهیه میشود این قبیل جایگاهها انواع و اقسامند و از هوشهای لوکس و عالی روزی ده دلاری گرفته تا خانه و اطاق های محقر و چادر و خیمه و وسائل تفریح و گردش و ورزش بدین ترتیب برای هرکسی مهیا و مرتب و بالنسبه مناسب و آماده است این تفریح که اغلب مردم تعطیل های طولانی سالانه خود را صرف آن مینمایند محتوی چندین چیز از قبیل اسب سواری، کوه نوردی، قایق راپ، شناوری شکار و ماهیگیری، پیاده روی و امثال آن است و هر کدام از اینها بجای خود بکنوع ورزشی است و وقتی که زن و مرد، کوچک و بزرگ ایشان دسته دسته و صدها و هزارها برای همین مقصود هر ساله بنقاط مختلفه مملکت خود رفته و قسمت مهم ایام تعطیل و بیکاری خود را باین وسائل صرف مینمایند این مملکت را میتوان ملق تصور کرد که تفریح خود را در ورزش - و شادمانی خویش را در استفاده از صفای طبیعت می یابد.

این مطالب باندازه و فور دارد که حتی در ایام سال و اوقات کار و روزهای معمولی طرف عصر همین که ساعات اداره یا تجارتخانه یا آنها میرسد مرد و زن دسته دسته بطرف میدان های ورزش یا بسط ورزش خانه های عمومی و یا بطرف باغهای ملی و یا بتماذنی

اپورت کرب های مختلفه ، واه میشوند - البته آثار و سینما های هر شهری مخصوصاً در شبهای زمستان محل تفریح و گذرانیدن وقت است ولی تفریحی که دارای ورزش و جست و خیز و دوندگی در هوای آزاد است بیشتر عمومیت دارد .

این قبیل تفریح ها که سرایا ورزش در هوای آزاد است دارای اثرات مهم و پر منفعتی می باشد ، این قبیل از خاص مهم ترین اسباب پیشرفت و ترقی را که عبارت از روح اعوان باشد در خود پرورش میدهند ، زیرا ورزش کن از انحاء وسائل پستی سکه قانون نمیتواند آنرا حس کرده و مرتکبش را مجازات کند اجتناب میورزد راستی و امانت و علو نفس را پیشه خویش قرار میدهد .

مقصود زذکرنکات فوق این نیست که راحی را مذمت و حرکت را تمجید بنمایم زیرا که به هر حرکت قابل تمجید و ته هر راحت مستحق مذمت است - مثلاً اگر در فصل بهار انسان روی بساط سبزه و در چمن زارها خوابیده بدن خود را در آغوش آن نسیم های روح افزا ببرد و دسته های ابری را که از بالای سرش عبور مینمایند تماشا کرده و همه درختان افکار او را نوآزش دهند نمیشود گفت وقت خود را تلف نموده است ، تماشای سکون و آرامش طبیعت جسم را تقویت کرده و عقل را پراز بهجت و سرور می نمایند مشاهده آسمان و زمین و منظره جنگل ها و بیشه ها و چمنها



دیدن دریا ها و دریاچه ها و کوهها تماشای رود خانها و اجتماع صدای آبشار ها و موجهای ساحل دریا تمام اینها خیالات و عوالمی در انسان ایجاد مینمایند که روح انسان را باهتزاز و جسم شخص را پراز نشاط و مسرت میکنند .

حیاتی که در لهو و لعب منقضى شود موجب خواری و افسردگی است اوقاتی که در زاویه های پراز دود و متعفن صرف شود بیهوده تلف گشته و جز اندوه نتیجه نخواهد بخشید ساعاتی که در شرب مسکرات می گذرد عاقبتی جز بد بختی و ذلت نخواهد دانت :

قول و لعتی که در راه تریاک و وافور بذل میشود حکم نیشه نیز را دارد که شالوده حیات و مقنسات آنرا متلاشی مینماید .  
کراراً گفته شده است فتح و فیروزی و اثرلو نتیجه میدان بازی ایثون بود ، اگر توانستیم يك همچو مصداقی برای منقل وافور ، باشیشه مسکرات و یا دائره لهو و لعب پیدا نمائیم آنوقت میتوانیم که از ذکر تفریحات خود شرمنده بشویم ولی تا زمان که مصداق فوق فقط و فقط مربوط است با ورزش و بازی ، برای کسب فتح و فیروزی در هر جاده باید آن را سرمشق خود قرار داد . و بدان عمل ورزیم - آری تذکر لازم است زیرا که اجداد دیرین ما هم سرمشق های خوب ، در سطور تاریخ بیادکار گذاشته اند ، انوشیروان دادگستر در هنگام فتح ارمنستان خودش شروع بپاک

نمودن برف های جاده گوهستانی کرد و این علل شاید مهمترین وسیله برای فتح و فیروزی بود و آن پادشاه عالی مقام رهین تربیت استقلالی بوزرجهر بود - در ایران باستان تفریح و ورزش با هم توأم بودند ، چوکان بازی ، شکار ، تیر اندازی واسب دوانی لازم و ملزوم فضیلت و معرفت ورشد اشخاص بود چه شده است که ما تدریجاً این عوامل را فراموش نموده ایم و بالش ناز را همیشه در آغوش میکشیم ؟

من معتقدم که ساختمان فکری ملل استعداد های برجسته دارد که بمجرد ظهور مقتضیات عرض وجود میکند ، حوادث فوق العاده استعداد هائی را که در نفوس بشری پنهان و مخفی است ظاهر و آشکار مینماید و چون محیط ایران مدت زمانی با عوامی که جز عیاشی و تن بروری و تنبلی چیز دیگری در آن شیوع پیدا نمینمود محسوس شده بود بنا بر این استعداد های دیرین تدریجاً یکرشته خفاء و پنهانی گذاشته شد ولی امروز که حوادث برجسته در این مملکت عرض اندام مینمایند ، امروز که مقتضیات تظاهر استعداد های ذاتی کاملاً هویدا و آشکار است و بالاخره امروز که در ظل توجهات شخص اول مملکت توانائی و کردار خوب مورد ستایش واقع شده است امید است که ورزش و اسپورت مخصوصاً بسط تربیت پیشاهنگی که شالوده صفات خوب است بیش از پیش در این مملکت ترویج بیابد

قدر و قیمت هر ملت یا جامعه متکی بتوده آن ملت است  
زیرا که روح جامعه و حیات ملی وابسته وجود آنها است ،  
ملت ایران با هر ماتی بخوبی میتواند بدون علماء ، شعراء ، ارباب  
صنعت و سایر عناصر عقلیه زندگانی کند و دارای هیئت اجتماعی  
باشد ولی بدون اخلاق که جهت جامعه محسوب میشود و مهد  
پرورش طبقات عمومی ملت است هیچ قومیتی تشکیل و هیچ ملتی  
وجود نخواهد داشت - البته اخلاق در ایران و در توده این  
جامعه موجود است ولی برای استحکام و تهذیب آن وسائلی لازم  
و احتیاجاتی محسوس است ، به قیده من اسپورت و ورزش رفع این  
احتیاجات را مینماید .



## نظریاتی چند راجع به آتیه آمریکا

اگر بتاریخ ملل نظری بیفکیم می بینیم که ملت آنازونی و تمدن برجسته و عظیم آن هنوز ایام طفولیت را دارد می پیاید و ترقیات عبر العقول آن تازه شروع شده و آتیه گنجینه مهمتری برای ایشان در بر دارد و تاریخ هر ملت عظیم الشانی ثابت میباشد که ترقیات فنونی پیوسته پیدر پیوسته و سایر ترقیات میباشد و بزرگترین و مهمترین انبیه مصر و هندوستان قدیمترین انبیه آنهاست و عمارات بی نظیر اروپا همان انبیه میباشد که در قرون متوسطه ظاهر گردیدند ، بعضی وقتی که جهل و ربریت هنوز دامنگیر آن ملل بود و عظمت و ترقیات آنازونی هنوز در همان دوره اول است زیرا که اغلب برجسته گیهایش فی استن و شاید بتوان گفت که تازه متوجه آن عواملی شده است که از حدود دائره فنون و مادیات خارج و مربوط است بالذات فکری و روحی از قبیل ادبیات ، شعر موزیک ، نقاشی و غیره .

آن قوه حیرت انگیزی که در شعر و ادبیات و موزیک و نقاشی مستور است و خصائص طبیعی واجتماعی هر عصر و هر جامعه و ملتی را نمایان میدهد هنوز در ابتداء طفولیت خود میباشد و سیر تکاملی را که فنون و صنایع مادی در آنازونی طی کرده است هنوز متوجه موضوع های فوق نشده ولی سیادت مادی آن سرزمین بدرجه رسیده است که علماء و متخصصین بین المللی فنون فوق الذکر

تأماً به آن مملکت هجوم آورده و طوق استخدام ایشان را کاملاً قبول نموده اند - شالوده را که تمول آنازونی و این مستخدمین بین المللی مشغول ریختن و تهیه کردن می باشند مرا کاملاً امیدوار می نماید که در آئینه نزدیکی آنازونی در این فنون ظریفه اگر پیشقدم نشود یقیناً از عهد برابری و همسری با سایرین خواهد برآمد : این ایمان را نسبت با امریکائیها دارم برای آنکه ملت آنازونی ملتی است زنده و هنوز مرک و پرستش بوسیله افکار فلسفی تار و پود نشده و ضعف و سستی در اخلاقش رخنه پیدا نکرده است :

البته چون هر ملتی دارای يك ساختمان فکری مخصوصی است بالطبع پرورش فنون و افکار مختلفه تابع آن ساختمان است و من کاملاً معتقد هستم که اشعار و ادبیات و موزیک و نقاشی و غیره در آنازونی بیشتر جنبه فرح و البساط و ثوق و شغف دربر خواهد داشت بجای روح تصرف و محزون که در اغلب ملل شرق و حتی اروپای جنوبی موجود است يك روح متبسمی سراپای افکار لطیف ایشان را خواهد فرا گرفت . علاوه بر این آن لطائف و خیالات موهوم عاشقانه که سراپای عوالم و روحیات ملل اروپای جنوبی و آمریکای جنوبی را گرفته است کان نمیرود که در آنازونی هویدا شود زیرا که ساختمان فکری و جنبه روحی ملت آنازونی تفاوت فاحشی با آن مللی که در فوق به آن اشاره شد دارد و ایشان در تئوری و نظریات آمیخته بوم کمتر فرو میروند و بنحواب و خیال کمتر علاقه دارند : ادراکات آنها دارای محدودیت هائیکه مانع میشود

با اعتقادات بست و خرافات و موهومات ؛ ایشان نظر باز و متفمن  
نیستند و حقوق را براراده ، احساس را بر عقل ، قریحه را بر فن و علم  
و بالاخره شوخی را بر جدی ترجیح نمیدهند :

آیه آمریک درخشانی دیگری خواهد داشت که چشم سایر  
ملل را مخصوصاً ملت های الکالی را بیش از پیش خیره خواهد  
نمود و آن تساوی و تقسیم عادلانه بین کارگران و کاپیتالیست ها  
خواهد بود و کارگر گذشته از آنکه حق شرکت در سهام کارخانه  
خواهد داشت صاحبان کارخانه و کاپیتالیستها ایشان را خواهند  
تشویق کرد بصرف قسمتی از حقوق و مداخلشان در سهام و اموری  
که مربوط است به آن کارخانه یا کپانی و بدین وسیله ایشان را  
فایده نمایند در امورات اقتصادی و مداخل مالی آن کارخانه -  
این مطلب مدتی است که در بعضی از کارخانجات مهم و آزادالفکر  
و پیشقدم بموقع عمل و اجراء گذاشته شده و رضایت طرفین  
بخوبی حاصل شده است .

مربوط با همین موضوع مطلب دیگری است که تذکرش لازم  
است و آن کم کردن مدت کار روزانه و زیاد نمودن مدت تفریح  
و تربیت کارگران ، این مقصود هم داخل دوره عملیش گشته و کان  
میکنم که آقای فورد اولین شخصی بود که مدت ساعات کار روزانه  
را بهت و شش ساعت تخفیف داده بدون کم کردن حقوق کارگران  
و بدین وسیله نه فقط راحتی و آسایش ایشان را مضاعف نمود بلکه  
خدمت مهمی هم کرد بتربیت خانوادگی کودکان این اشخاص و بدین

وسیله اولین قدم مهم را برای سعادت و مساعدت نسل آتی برداشته  
و شاهراه مهمتری را بسایرین نشان داده است .  
عواقب وخیمی که اثر افکار و آداب مختلفه قبل از مهیسا  
بودن افکار جامعه برای پذیرفتن آن معمولاً دامنگیر ملل جامعه  
شده است بآمریکا با جامعه و ملت آنزونی تپاسی نخواهد داشت زیرا  
که سیر تکامل ایشان گرچه بسرعت است ولی تدریجی است و قبل  
از انتشار هر فکری زمینه برای آن تهیه و آماده شده و گذشته  
از این تربیت استقلالی ایشان طرزى است که ملت و افراد جامعه در  
هر تجدید و فکری پیشقدم است و دولت همیشه افکار و اقدامات آن  
ها را تعقیب مینماید و علاوه بر اینها عده آن خدمتگذارانی که  
همیشه تزریق امید با افراد جامعه مینمایند و آمال ایشان را از تصادم  
بصخره های یأس و ناامی محافظت میکنند در امریکا پیش از آن  
و فور دارد که نادر و کمیاب تصور شود، اینها مایه افتخار و ابهت  
ملت خود هستند و در حقیقت عظمت و وزن جامعه آمریکا را  
اینها تربیت و پرورش میدهند ولی در عین حال فکرو مجاهدات افراد  
ملت نیز بنوبه خود در اینها حلول کرده و ایشانرا در خدمات خود  
جسور نگهبان دارد .

## لزوم دفع قاچاق

اولین چیزی که جلب توجه انسان را هنگام خروج از طهران و حوالی آن مینماید اصرار مردم است بنداشتن جواز عبور - من محیرم که سبب و جهت این چه چیز است ؟ اگر آن را حمل بر تمسلی بنمائیم زحمانی که از تخلف این قانون دامنگیر ایشان میشود بمراتب بیشتر از آن ده دقیقه ایستکه صرف گرفتن جواز میگردد : اگر بگوئیم که احساسات آزادی و نجات فطری و تعصب مخلوط بجاهلیت ایشان را از معامت قوانین باز میدارد این هم اشتباه است زیرا که توهین هائیکه بدین سبب برایشان وارد میشود دلیل بر کوچکی احساسات و جبن ایشان است ؛ اگر بگوئیم که جهش فقدان وسائل مادی است که آهم غلط است زیرا که گرفتن جواز خرجی ندارد - پس بنا بر این يك جهت دیگری است که در اخلاق و عادات ایرانیان ریشه دوانده و معمولا مکنون است ولی پس از قدری ملاحظه و دقت آشکار و هویدا میشود این جهت چه و این عادت و اخلاق کدام است ؟

بعقیده من بعض ایرانیان قاچاقچیان زبردستی هستند و اینهم یکنوع قاچاق است که انسان بدون جواز و بدون مراعات قوانین بمسافرتی حرکت بابامری اقدام نماید : این قبیل ایرانیان از قاچاق کردن لذت میبرند و دلیل بر این مدعا فقط ترتیب خروج از طهران و حوالی آن نیست بلکه همان طهران هم مرکز انواع و اقسام



قاچاق است ؛ همچنان که سرایای زندگانی شخص در امریکا مشغول  
از برق و الکتریسته است زندگانی این دسته ایرانی هم مملو است  
از قاچاق .

قاچاق چیست؟ ورود امتعه بدون گمرک البته موسوم به  
قاچاق است ولی این کلمه باندازه بسیط است که شامل خیلی چیز  
های دیگر میشود - مثلاً زندگانی اشخاصیکه اوقاتشان صرف رفتن  
باده و کافه میشود و مداخل اولی را مصرف جای دومی مینمایند  
و هیچ آرزویی جز این ندارند و عاقبت اندیشی هم نمیکند و مثل  
درویشان فقط با زندگانی و لذائذ امروز ضرور کار دارند و فردا را نیامده  
تعبیر میکنند - این چه قسم زندگانی است ؟

کاسب هائیکه مثلاً بتومانی ده شاهی یا پنج شاهی قناعت  
می کنند معذک همیشه مفلوک و بیچاره هستند ( اتفاقاً خودشان  
ملتفت این مفلوکی و بیچارگی نمی شوند زیرا که عادت به آن  
کرده اند ) و هر روز با هزار دعا - و لعن بر شیطان نان بومیه فامیلشان  
را تأمین مینمایند اگر در زمستان يك هفته ناخوش و بستری  
بشوند ورشکسته و نابود می گردند . پس این چه قسم کسب و  
تجارتی است ؟

تفریحانی که از يك طرف هوسرانی و بیعلاقگی بفامیل و از  
طرف دیگر اشک چشم کودکان و استیصال بیوه زنان مسبب آنست  
آیا چه قسم تفریح است ؟